

شاخصه‌ها، موانع و راهکارهای انقلابی ماندن از منظر فرهنگ و حیانی

دکتر زینب روستایی (نویسنده مسئول)^۱ - حمیده شفیعی^۲ - سیمین محمد صالح^۳

چکیده

فرهنگ انقلاب اسلامی از پایدارترین فرهنگ‌ها و برآمده از بطن دین و باورهای دینی است. که با همت و فداکاری قشرهای مختلف جامعه ایرانی به ثمر نشسته است. پاسداشت این گوهر گران بها با توجه به گستره ی نفوذ جهانی آن وظیفه‌ای همگانی است. آراستگی به پشتوانه‌های فرهنگ انقلاب اسلامی چون؛ خدا محوری، ولایت پذیری، آرمان خواهی، بصیرت افزایی، عدالت خواهی و ظلم ستیزی و از همه مهم تر انتظار و منتظر پروری بایستی در اولویت امور زندگی جامعه انقلابی قرارگیرد. و نسبت به آسیب ها و موانع پیش رو در تثبیت جایگاه این انقلاب الهی نظیر؛ رنگ باختن معنویت، دنیاگرایی، انحراف در مبانی فکری، تغییر وارونه معارف و منکرات، انحراف نخبگان و خود باختگی غافل نماند. تکمیل کننده این حضور سازنده و آگاهانه برای صیانت از آرمان‌های انقلاب اسلامی توجه مراکز

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن شیراز).

zeinabroostae@yahoo.com. ۰۹۱۷۳۱۴۷۱۸۳.

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآنی shafiei88shiraz@gmail.com

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآنی devotee313.69@gmail.com

تولید فرهنگ و ارتباط جمعی و در نگاه کلان مجهز شدن به دیپلماسی فرهنگی است. از این رو در پژوهش پیش رو به روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تلاش برای توسعه فرهنگ انقلاب اسلامی به جستاری پیرامون شاخصه‌ها، موانع و راهکارهای انقلابی ماندن از منظر فرهنگ قرآنی پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، انقلاب اسلامی، انقلابی ماندن، شاخصه‌ها، موانع، راهکارها، فرهنگ و حیانی.

مقدمه

اگر جامعه‌ای بخواهد از زندگی انسانی برخوردار باشد و شرافت انسانی‌اش را حفظ نماید، در درجه‌ی نخست می‌بایست به فرهنگ، که به صورت مستقیم با اندیشه و روانش سروکار دارد، اهمیت دهد؛ چراکه فرهنگ به مثابه‌ی موتور محرک، مایه‌ی شکوفایی ذهن‌های خلاق و مستعد می‌باشد. دوام و قوام هر جامعه به فرهنگ آن جامعه است. چنان‌چه ملتی در حفظ اصول و ارزش‌های فرهنگی خود، موفق باشد در سایر زمینه‌ها نیز سربلند خواهد بود. اما ملتی که در پاسداری از فرهنگ خود کوشا نباشد شکی نیست که در مسیر تهاجم فرهنگی دشمنان قرار خواهد گرفت. اگر فرهنگی زنده و مبارز باشد، افراد جامعه به رشد و استقلال سیاسی، اقتصادی می‌رسند و پویایی آن تمامی جهان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. انقلاب اسلامی ایران به مانند نهضت‌ها و انقلاب‌های دینی بر بستری از داده‌های فرهنگی و اعتقادی پایه‌ریزی شده؛ و مرهون یک زمینه‌ی فرهنگی قرآنی است که به رهبری عالمانه امام خمینی رحمته‌الله علیه و جانشین صالح ایشان، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و همدلی و همراهی مردمی که اندیشه‌ها و ارزش‌های اسلامی در دل و جان‌شان رسوخ کرده بود، به بار نشست. بنابراین بقای آن هم بیش از هر چیز مرهون تداوم این فرهنگ و رشد و گسترش آن است. بر این اساس باید در جهت حفظ و توسعه و ترویج فرهنگ انقلاب، آن هم فرهنگی که برخاسته از مبادی اسلام و سیراب شده از سرچشمه‌ی زلال قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و اهل بیت علیهم‌السلام و نیروی عقل و اندیشه و بصیرت است، تلاش نمود. انقلابی ماندن از منظر قرآن و مقام معظم رهبری، شاخصه‌های انقلاب، موانع هر یک اما در این عصر که استعمار فرهنگی بیداد می‌کند، این سؤال مطرح است که انقلابی کیست و چه آسیبی فرد و جامعه انقلابی را تهدید می‌کند؟ چگونه می‌توان فرهنگ انقلابی را حفظ نمود؟ و چه کسانی و گروهی باید در این مسیر پیشگام باشند؟ بدیهی است که چنین کار بزرگی، عزم عظیمی می‌طلبد تا در این دوره که فرهنگ اسلامی به برکت انقلاب کبیر امام خمینی رحمته‌الله علیه امکان پذیر شده و تحت رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) استمرار می‌یابد، شاهد توفیقات

همه جانبه‌ای در عرصه‌های فرهنگی شویم. بنابراین در این نوشتار تلاش شده تا شاخصه‌ها، موانع انقلابی بودن بررسی و راهکارها و ابزارهایی جهت توسعه و ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی ارائه گردد. با توجه به آن‌که پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی این موضوع به صورت پراکنده به مبحث شاخصه‌ها، موانع و راهکارهای انقلابی ماندن با توجه به فرهنگ و حیانی پرداخته‌اند - به این نحو که هر کدام تنها به یک مورد توجه نموده‌اند - می‌توان گفت مقاله حاضر در این زمینه پژوهشی نوین است. امید است که موجبات رستگاری را فراهم و زمینه ساز ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرُجَةَ الْعَرَبِ باشد. ان شاء الله

۱. مفهوم شناسی

پیش از ورود به محورهای سه‌گانه‌ی بحث، ابتدا شناختی نسبت به مفاهیم انقلاب، فرهنگ و انقلابی بودن به دست می‌آوریم.

۱.۱. انقلاب

«انقلاب» در لغت از ریشه‌ی «قَلَبَ» به معنای تغییر و تحول است. اروپاییان برای القای معنای نجومی این واژه از دیر باز، لفظ «Revolution» شورش، اعتراض را به کار می‌برده‌اند. ولی از نیمه دوم قرن هفدهم میلادی این لفظ در غرب، معنای جدید دیگری نیز یافت و برای قیام سریع و پرشور و همگانی مردم بر ضد نظام حاکم به کار رفت. (آقایی و علی بابایی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۴) در قرآن کریم این کلمه در دو معنای «رجوع و بازگشت» (عنکبوت/۲۱) و «تحول و دگرگون شدن» (احزاب/۶۶) استعمال شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۳۹). انقلاب در اصطلاح بنا بر فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله العالی) یک دگرگونی بنیادی است، که در بیش تر موارد بدون چالش‌های دشوار و زورآزمایی امکان‌پذیر نیست. ایشان همچنین ضمن رد دیدگاه‌هایی که انقلاب را با شورش، اغتشاش، بی‌نظمی و بی‌سامانی برابر می‌دانند، می‌فرماید: «انقلاب آن جایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود». (امام خامنه

ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۲/۹/۱۳۷۹) - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3039>

شهید مطهری نیز انقلاب را طغیان علیه نظم موجود دانسته و می‌گوید: این به نظم سیاسی ارتباط ندارد. یعنی این‌که برخلاف انقلاب‌های سیاسی که صرفاً در آن حکومت تغییر می‌کند، در انقلاب اسلامی ساختار فرهنگی، اجتماعی و غیره نیز تغییر می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۲۹). بنابراین انقلاب اسلامی به معنای تغییر بنیادین جامعه توسط مردم مسلمان است که بر اساس قوانین اسلامی برای تحقق ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی در جامعه پدید می‌آید. (نصری، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

۲.۱. فرهنگ

فرهنگ مرکب از فر، پیشاوند و هنگ از ریشه‌ی ثنگ (Than) اوستایی به معنی کشیدن و فرهختن؛ (تربیت کردن، ادب آموختن، تأدیب نمودن) است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲). در فرهنگ فارسی معین آن را ادب (نفس)، تربیت، دانش، علم و معرفت و مجموعه‌ای آداب و رسوم و مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم معنا کرده است. (معین، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۷۴۵). در معنای اصطلاحی فرهنگ معانی متعددی ذکر شده از جمله؛ فرهنگ مفهومی گسترده است که تمام الگوهایی را که در جامعه آموخته می‌شوند، و در آن غنا می‌یابند و از طریق نمادها منتقل می‌شوند، را در بر می‌گیرد. فرهنگ به عنوان وجه ممیز انسان از دیگر موجودات شامل تمام دستاوردهای جامعه یا گروه؛ نظیر زبان، هنر، صنعت، حقوق، دانش، دین، اخلاق، سنت‌ها و حتی ابزار مادی می‌شود. در دانش هر آنچه را که از طریق ارتباط متقابل آموخته می‌شود، شامل می‌شود. (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۵). و نیز در تعریف تایلور، فرهنگ به مفهوم وسیع مردم شناختی آن، کل پیچیده‌ای است که دانش، اعتقاد، هنر، اخلاق، قانون، رسم و هر نوع قابلیت و عادت دیگری را که انسان به صورت عضوی از جامعه کسب می‌کند در بر می‌گیرد. (گولد، جولیبوس. ویلیام ل. کولب. ۱۳۷۶، ص ۶۳۰ - ۶۳۲). «فرهنگ از مفاهیم ارزشمند جامعه بشری بوده و شاید

عمده‌ترین تمایز انسان از سایر جانداران فرهنگ پذیری او باشد». (شرفی و طاهری پور، ۱۳۸۷، ص ۵۲-۵۴). منظور از فرهنگ و حیانی نیز، آن دسته از ارزش‌ها، اعتقادات، باورها و... است که توانسته با اثرگذاری بر جامعه قانون‌گریز جاهلیت، بسیاری از آداب و رسوم آنان را تغییر، متحول و یا پالایش نماید، این فرهنگ متعالی در طول تاریخ پایه‌گذار تمدن پر باری شده است. انقلاب اسلامی ایران به رهبری خردمندان و داهیانه امام خمینی (قدس سره) و حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) مولود چنین اندیشه‌ای است. با توجه به تعاریف ذکر شده فرهنگ انقلاب اسلامی نیز مشتمل بر مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و باورهایی است، که بر اساس مبانی و اصول اسلامی شکل گرفته است.

۲.۱-۱. انقلابی ماندن

پذیرش فرهنگ قرآنی مستلزم التزام به هنجارها و بایسته‌های اسلامی در تمام ابعاد زندگی است. شخص انقلابی با داشتن چنین ویژگی‌هایی فراتر از وظایف قانونی و تعریف شده جامعه مدنی و شهروندی با احساس مسئولیت و با تکیه بر روحیه جهادی همواره از زنجیرهای روزمرگی می‌رهد. آرمان او اعتلای کلمه حق در تمام عرصه‌های زندگی است.

۲. شاخصه‌ها

انقلاب اسلامی ایران به عنوان امتداد دهنده فرهنگ و حیانی قرآن کریم بر یک سری اصول و ضوابط بنیادین بنا شده است. این اصول، شاخصه‌ها و معیارها در دین مبین اسلام و به تبع آن در گفتمان نظام مقدس انقلاب اسلامی صرفاً یک شعار نیست، بلکه تنها یک روش عملی برای خوب زیستن و پیشرفت جامعه بشری است. اگر نسل امروز، بخواهد نسلی انقلابی و مورد رضایت خداوند متعال باشد بایستی به سمت پرورش این ویژگی‌ها در خود حرکت نماید.

۱.۲. خدا محوری و پرهیزگاری

قرآن کریم درباره جوان و جوان مردان و ویژگی‌های آنان مطالب مختلفی را بیان کرده است. از جمله این‌که در آیه ۳۳ سوره مبارکه یوسف در رابطه با پاکدامنی حضرت یوسف علیه السلام در عنفوان جوانی و به نقل از ایشان آمده است: (قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ)؛ (یوسف) گفت پروردگارا زندان برای من دوست داشتنی‌تر است از آن‌چه مرا به آن می‌خوانند و اگر نیرنگ آنان را از من باز نگردانی به سوی آنان خواهم گرایید و از (جمله) نادانان خواهم شد. گفتار ملکوتی حضرت یوسف علیه السلام بیانگر تعالی روح الهی ایشان در پذیرش تربیت الهی است در واقع وی می‌خواست عرض کند: پروردگارا؛ در سایه محبت و رضای تو زندان را بر لذت معصیت و دوری از تو ترجیح می‌دهم. و این گفتارش نظیر آن حرفی بود که در روز خلوت با زلیخا گفت: (مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ) (یوسف/۲۳)؛ «(یوسف) گفت: «پناه می‌برم به خدا! او (عزیز مصر) صاحب نعمت من است؛ مقام مرا گرامی داشته؛ (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟! بدرستی که ظالمان رستگار نمی‌شوند». پس در هر دو کلام افتخار ورزیدن به داشتن چنین خدایی بزرگ و مهربان است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۰۶) و سرانجام هم، محبت الهی از او دفاع کرده است. (... وَ اللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ...) (یوسف/۲۱) و بدین سبب از قعر ظلمانی سیاهچال زندان به اوج منصب صدارت رسید، (وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَّشَاءُ وَ لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ) (یوسف/۵۶)؛ و این‌گونه ما به یوسف در سرزمین (مصر) قدرت دادیم، که هر جا می‌خواست در آن منزل می‌گزید (و تصرف می‌کرد)! ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم (و شایسته بدانیم) می‌بخشیم؛ و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم.» در دین اسلام، راه قرب به خداوند متعال منحصر به عبادت نیست. یعنی هر جایی مانند خانه، کلاس درس، مدرسه، دانشگاه، اطاق‌های عمل، حوزه‌های علمیه، تمام مشاغل و مسئولیت‌های دولتی و سیاسی و... می‌تواند مزرعه آخرت باشد. بنابراین

نسل امروز انقلابی بایستی خدا محوری را در همه امور زندگی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فکری سرلوحه‌ی کار خود قرار دهد تا بدین وسیله به پیشرفت حقیقی برسد. و بداند که اگر بعضی‌ها در داخل کشور و نیز تلقین‌های دشمن از بیرون، آن‌ها را از خدا و معنویت حقیقی دور می‌کنند و به کارهایی تشویق می‌کنند که مورد رضایت الهی نیست این‌ها ادامه‌ی دهنده‌ی وعده‌های حکومت ری هستند و دیدیم که چگونه به جای ملک ری به زباله دان تاریخ افتادند. بنابراین اگر معیار کار، خدا نباشد، کار خسرانی بیش نیست. خداوند با وعده‌ای زیبا به نصرت و کفایت برای کسانی که تقوی پیشه نموده و احسان کنند، می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ) (نحل / ۱۲۸)؛ «خدا با کسانی است که تقوی پیشه کردند و کسانی که نیکوکار باشند». از این رو نسلی که خدا محور و خود نگه‌دار باشد، یک نیروی کارآمد فکری، اقتصادی و فرهنگی است که می‌توان گفت فرهنگ انقلاب در او تجلی یافته است.

۲.۲. ولایت پذیری

زعامت و سرپرستی جامعه و پذیرش این مسند از ملزومات زندگی اجتماعی است. ولایت و رهبری در آیین و حیانی اسلام بعنوان یکی از احکام ضروری و بدیهی، تأیید و مورد تأکید واقع شده است. به همین سبب در زمان حیات رسول اکرم ﷺ و به ویژه پس از هجرت وی از مکه به مدینه النبوی ولایت و رهبری به صورت جامع و کامل در اداره امور مردم و نسب ولات و قضات و اداره صدقات و اوقاف و تعلیم و تربیت عمومی و ارسال مبلغین و غیر آن‌ها عملی می‌شد، به همین جهت مسلمین از اصل لزوم این معنی سوالی نکردند، با این‌که از بسیاری از امور مهم و غیر مهم نظیر ارث کلاله (برادر و خواهر) (نساء/ ۱۷۶) اهله (بقره/ ۱۸۹)، انفاق (بقره/ ۲۱۵)، کوه‌ها (طه/ ۱۰۵) سوال شده، ولی درباره اصل نیاز جامعه به رهبری پرسشی صورت نگرفته است. جریان واقعه سقیفه بهترین گواه این مطلب می‌باشد - با وجود آن‌که واقعه عظیم غدیر خم نادیده گرفته شد. زیرا همه با فطرت خود درک می‌کردند

که چرخ جامعه اسلامی بی گرداننده‌ای، خود به خود گردش نخواهد کرد و دین اسلام این معنی را که در میان مسلمین باید حکومتی وجود داشته باشد، امضای قطعی نموده است. (نک: طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۷۴ - ۷۵). امر خطیر زعامت منحصر به عصر نبوی و ائمه هدی علیهم‌السلام نبوده است. بنابر برخی روایات موثق در زمان غیبت معصوم علیه‌السلام جامعه ایمانی بایستی به فقیهان جامع شرایط رجوع کنند. از جمله این روایات توقیع مشهور حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) است که در آن می‌خوانیم: «... وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۴۰)؛ یعنی در رویدادها و پیشامدها به راویان حدیث ما رجوع کنید، زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنانم.

«فقیه» در اصطلاح امروز همان شخصی است که در روایات با تعبیر «عارف به حلال و حرام» و امثال آن معرفی شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۶۱) و در عصر غیبت حق حاکمیت و ولایت دارد، و این حق با موافقت مردم تحقق عینی می‌یابد. (همان، ص ۲۲) بنابراین اوست که فرمان می‌دهد و امور جامعه را بر اساس قوانین الهی حل و فصل می‌کند و بر مردم است که از چنین فقیهی تبعیت کنند. نسل انقلابی و مبارز باید به این خصیصه زینت یافته باشد، یعنی در هر شرایطی از زمان ولایت‌پذیری خود را حفظ نماید. امروزه دست‌هایی در کار است تا به اصل اسلام، ولایت فقیه و انقلاب اسلامی خدشه وارد کنند. و همه‌ی توان و تلاش خود را به کار بسته‌اند تا به شیوه‌های گوناگون به آن ضربه بزنند از این رو همه باید به هوش باشیم که این ارزش‌ها را به رایگان از دست ندهیم. ستیز با ولایت ریشه‌های گوناگونی دارد که شناخت آن‌ها می‌تواند افراد جامعه‌ی امروز را در برابر خطر ولایت‌گریزی و نیز تأثیر شبهات دشمنان ایمن سازد و زمینه‌ی پذیرش ولایت و دفاع از آن را فراهم نماید برخی عوامل و ریشه‌های مخالفت با ولایت عبارتند از: نادانی و بی بصیرتی، دنیاگرایی و منفعت طلبی، جاه طلبی، عدالت‌گریزی، تعصبات باطل، کینه‌های پنهان، تحجر و ظاهر بینی، و ناآگاهی از جایگاه ولایت اشاره نمود. (نک، روستایی، ۱۳۹۴،

۲.۳. حافظ آرمان‌های اسلام و انقلاب

با توجه به آیه زیر (وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ)؛ «محمد ﷺ فقط فرستاده خداست؛ و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی‌زند؛ و خداوند بزودی شاکران (و استقامت‌کنندگان) را پاداش خواهد داد». روشن می‌شود که پس از درگذشت رسول اکرم (خواه با مرگ، خواه با قتل) سیرت و سنتی که با بعثت ایشان به وجود آمده است، مطلقاً باید محفوظ ماند و به هیچ وجه ترک نشود، زیرا آن حضرت رسولی بیش نیست و دین از آن خداست و تا خدا خداست، دینش از آن او است. (طباطبایی، ۱۳۸۵، ص ۷۴-۷۵) از این رو باید گفت که اسلام حقیقت همیشه زنده بوده و خداوند خود ضامن حفظ آن است. و چون انقلاب ما بر گرفته از همین اسلام ناب و مبانی آن صورت گرفته است، باید حافظ آن باشیم؛ زیرا دشمن همه‌ی نیروی خود را در مقابله با اصول اساسی و آرمان‌های انقلاب اسلامی مصرف می‌کند. نسل امروز باید به درستی اهداف و آرمان انقلاب اسلامی را بداند، چراکه به خاطر فاصله زمانی از وقوع انقلاب، ممکن است دلایل این فداکاری‌ها توسط دشمن کم‌رنگ و یا بی‌رنگ شود تا راهی برای نفوذ میان نسل امروز و حتی نسل‌های بعدی انقلاب بیابد. به فرموده‌ی آیت الله خامنه‌ای (مد ظله) آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله‌ی کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد. (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری. ۱۳۹۲/۰۶/۱۴) وی هدف از مبارزات ملت ایران چه قبل و بعد از انقلاب اسلامی را، تشکیل حیات طیبه‌ی اسلامی ذکر می‌کند. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در

کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی. ۱۳۶۸ ۱۲/۱۱/ -[https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2260)

تمدن اسلامی یعنی پیشرفت همه جانبه مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در دو بخش ابزاری و سخت افزاری، از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین المللی و... بخش نرم افزاری تمدن اسلامی، به عنوان حاکمیت «سبک زندگی اسلامی» در همه مظاهر زندگی؛ بر اساس عقلانیت دینی، اخلاقی، حقوقی و ابزاری جهت شکوفای سازی دنیای مادی مسلمانان در راستای پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی. (معینی پور، ۱۳۹۱، ص ۵۴ - ۵۵). و منظور از حیات طیبه اسلامی هم آن معنایی است که در قرآن کریم آمده است. (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (نحل/۹۷) که مراد از این حیات، حیاتی است خالص که خباثتی در آن نیست که فاسدش کند و یا آثارش را تباه سازد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۹۳). اگر این اهداف و آرمان‌ها را در یک مقایسه‌ی کلی با دولت‌های مدعی مقایسه کنیم و همانطور که مقام معظم رهبری جوانان غرب را به فطرتشان سوق دادند، ما هم به فطرتشان ارجاع می‌دهیم، آن هنگام است که خواهند دید که آن چه آن‌ها را به گمشده‌ی خود می‌رساند، اسلام و حقایق آن است که در بسیاری از کشورها به واسطه انقلاب اسلامی ایران شناخته شد. بنابراین نسل انقلابی، با وجود این برتری نظام اسلامی باید دوستدار کشور و نظام و حافظ آرمان‌های اسلام و انقلاب باشد تا ان شاء الله به ظهور صاحب حق ختم گردد.

۲.۴. بصیرت

بصیرت به معنای فهم درست و توانایی تحلیل واقعیت‌های جامعه نقش بارزی در پاسداری از انقلاب اسلامی دارد. تجزیه و تحلیل مسائل و آینده‌نگری از ویژگی‌های مهم اهل بصیرت است. این ژرف نگری و ژرف اندیشی منحصر به احکام دینی نیست بلکه دایره بصیرت همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد. قرآن با اشاره به این

موضوع می‌فرماید: (قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ) (انعام/۱۰۴)؛ «دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ کسی که به وسیله آن، حق را ببیند، به سود خود اوست؛ و کسی که از دیدن آن چشم پپوشد، به زیان خودش می‌باشد؛ و من نگاهبان شما نیستم و شما را برقبول ایمان مجبور نمی‌کنم».

رهبر فرزانه انقلاب درباره بصیرت می‌گوید: «در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید، قدرتی که بتوانید از آن برای واقعیت‌های جامعه یک جمع بندی ذهنی برای خودتان به وجود بیاورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل بسیار مهم است. هر ضربه‌ای که ما مسلمانان در طول تاریخ خورده‌ایم از ضعف قدرت تحلیل بود». (امام خامنه‌ای، بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) ۱۳/۱۱/۱۳۷۷). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2927>

بنابراین بصیرت نگاه عمیق و عالمانه به مسائل است. فرد انقلابی با کنار زدن لایه‌های ظاهری و سطحی مسائل و موضوعات به حقیقت هر آن‌چه موجود است، دست می‌یابد. و در فتنه‌ها و آشوب‌های روزگار و دسیسه‌های زهرآگین دشمن دچار حیرت و سرگردانی نمی‌گردد.

۲.۵. عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی

از جمله مطالبات و خواسته‌های نیروهای انقلابی در حرکت عظیمشان بر ضد نظام فاسد و جبار پهلوی برپایی عدالت و ستم‌سوزی در جامعه ایران اسلامی و بلکه در گستره جغرافیای جهانی در همه ابعاد است. ظلم یکی از بدی‌های است که زشتی آن بر هیچ کسی پوشیده نیست. قرآن کریم در بسیاری از آیات آن را نفی کرده و سفارش می‌کند که (... لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ...) (بقره/۱۲۴)؛ «... نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم وارد می‌شود...»، از این رو دفاع از مظلوم و مستضعف ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد، بنیانگذار

انقلاب اسلامی امام خمینی رحمته الله علیه می‌گوید: منطق اسلام این است که نه ظالم باشید و نه زیر بار ظلم بروید ما هم می‌خواهیم این طور باشیم که نه ظلم کنیم و نه زیر بار ظلم برویم. (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۹۴). مردم ایران به این باور رسیده بودند که جز راه پیامبران نمی‌تواند آنان را به عدالت فراگیر برساند، بدین سبب با تمسک به آموزه‌های وحیانی و سیره معصومین علیهم السلام حرکت توفنده خویش را آغاز کردند. (آل عمران/۲۱) و با میثاق با رهبر عدالت خواه خود (بقره/۱۲۴؛ اسراء/۲۵) استوار و پابرجا حرکت الهی خویش را دنبال نمودند. سازندگان و نقش آفرینان انقلاب اسلامی در اولین گام با مرفهان و مترفین عدالت گریز و ستم پیشه (انبیاء/۱۱ و ۱۶) مطابق با حکم الهی به مقابله برخاستند. (نساء/۳۹؛ ۷۵) در دومین اقدام برای تحقق عدالت فراگیر و ریشه کنی ظلم و ستم وحدت و همبستگی خود را حفظ نموده و از تفرقه و اختلاف دوری می‌کنند. (عابدینی، ۱۳۸۷، kayhannews.kayhan.ir).

۲.۶. انتظار و منتظر پروری

یکی دیگر از شاخصه‌های انقلابی ماندن انتظار فرج و امید داشتن به فرجام نیکوست. در مکتب حیات بخش اسلام انتظار جایگاهی بس عظیم دارد به گونه‌ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۱۲۵، باب ۲۲). طرح مسئله زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای ظهور، در چهارچوب حکومت دینی مبتنی بر ولایت فقیه و نیابت عام از امام غائب (عج الله تعالی فرجه الشریف) که پس از انقلاب اسلامی به وجود آمد، قابل درک است. حکومتی که اصالت و مشروعیت خود را از مهدویت و امام غائب می‌گیرد و به نوعی وامدار آن حکومت است. و شکل آرمانی خود را باید در افق مهدویت و جامعه موعود آخرالزمانی مشاهده کند، ناگزیر باید نسبت به آن متعهد باشد و برای تحقق آن جامعه آرمانی و مدینه فاضله بکوشد. (پرهیزکار، ۱۳۸۹، ص ۱۶۷). امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) می‌فرماید: «امیدواریم که این انقلاب یک

انقلاب جهانی بشود، و مقدمه‌ای برای ظهور حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه) باشد». (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۸۸) این یک تکلیف شرعی است؛ منتها ما نمی‌توانیم.... حضرت عالم را از عدالت پر می‌کند، از این تکلیفتان دست برد ندارید. (صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۹۷) رزم‌آوران نبرد طولانی با جبهه باطل پیشه، منتظران حقیقی هستند که پیوسته بیدار و هوشیار در درون کمینگاه صبر و جهاد با نفس پیکار مقدس خود را ادامه می‌دهند.

۳. موانع انقلابی بودن

انقلاب اسلامی ایران وامدار فرهنگ و حیانی و معارف اصیل و انسان ساز آن است. این انقلاب برای استمرار و ثبات خود نیازمند کیاست، هوشمندی و هوشیاری است. زیرا به مانند هر انقلابی با دو خطر عمده مواجه است. یکی خطر «دشمنان خارجی» و دیگری خطر «اضمحلال داخلی». دشمن خارجی یعنی کسی که از بیرون مرزها و یا در داخل کشور اما بیرون از نظام حاکم، با انواع سلاح‌ها، موجودیت یک نظام را با فکرش و دستگاه زیربنایی عقیده‌اش و قوانینش و هر آن‌چه در اختیار دارد هدف قرار می‌دهد. اما دشمن و آفت دوم، آفت اضمحلال درونی است. زمانی که در درون نظام نیروهای خودی بر اثر خستگی، اشتباه در فهم راه درست، بر اثر مغلوب احساسات نفسانی شدن و بر اثر نگاه کردن به جلوه‌های مادی و بزرگ انگاشتن آن‌ها، ناگهان در درون، دچار آفت زدگی شوند. این البته خطرش بیشتر از خطر اولی است. (انسان ۲۵۰ ساله، ۱۳۹۰، ص ۱۶۵-۱۶۶) آسیب اضمحلال درونی تحت عنوان موانع انقلابی ماندن در این قسمت مورد بررسی قرار گرفته شده است.

۱.۳. رنگ باختن معنویت

شاکله و قوام انسان مرهون معنویت و اخلاق اوست. رسوخ و نفوذ روح تعهد و اخلاق در آدمی موجب می‌شود تا او دارای عقاید و باورها و رفتارهای الهی گونه گشته و از انحراف و تباهی دور گردد. بدین معنا بین ذخیره معنوی و لغزش و گمراهی انسان رابطه

مستقیمی وجود دارد. هر چه ذخیره معنویت انسان بالاتر باشد، احتمال لغزش و گمراهی نیز کمتر است. نمود بارز رنگ باختن معنویت توجه به امور دنیوی و پیروی از هواهای نفسانی است. در فرهنگ دینی هیچ چیز خطرناکتر از دنیا گرایی نیست. اگر این روحیه در جامعه‌ای رشد و ترویج نماید، معنویت و خداگرایی از بین خواهد رفت؛ چراکه دنیا دوستی و خدا دوستی قابل جمع نیستند. قرآن کریم می‌فرماید: (اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ) (حدید/۲۰)؛ «بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخر فروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد، سپس خشک می‌شود بگونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی؛ سپس تبدیل به گاه می‌شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی؛ و (به هر حال) زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست.»

علی بن ابیطالب علیه السلام در خطبه شمشقیه با بررسی دوران خلفای پیش از خویش می‌فرماید: «إِلَىٰ أَنْ قَامَ ثَالِثُ الْقَوْمِ، نَافِجًا حِصْنِيهِ بَيْنَ نَثِيلِهِ وَ مُعْتَلِفِهِ وَ أُسْرِعَ مَعَهُ بَنُو أَبِيهِ يَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ حِصْمَ الْإِبِلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ...»؛ (موسوی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸) تا سومین آن‌ها بر سر کار آمد. او همانند شتر پرخور و شکم برآمده، همتی جز جمع آوری و خوردن بیت المال نداشت. بستگان پدریش به همکاری‌اش پرداختند. آن‌ها نیز چون اشتران گرسنه‌ای که در بهار به علفزار می‌رسند و با ولع عجیبی گیاهان را می‌بلعند، برای خوردن اموال خدا دست از آستین برآوردند.»

قرآن کریم ضمن هشدار دادن در این باره می‌فرماید: (فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ... (مریم/۵۵)؛ «اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند.» مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در تشریح این آیه می‌فرماید: «دو عامل از عوامل اصلی این انحراف عمومی است:

یکی دور شدن از ذکر خدا که مظهر آن نماز است؛ یعنی فراموش کردن خدا و معنویت از زندگی و جدا کردن حساب معنویت از زندگی و از یاد بردن توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب توفیق از خدای متعال و توکل بر خدا و کنار گذاشتن محاسبات خدایی از زندگی. و عامل دوم (اتَّبِعُوا الشَّهَوَاتِ) است؛ یعنی دنبال شهوترانی‌ها و هوسرانی‌ها و در یک جمله دنیا طلبی‌ها و جمع‌آوری ثروت و مال اندوزی بودن و التذاذ و به دام شهوات دنیا افتادن و اصل دانستن این‌ها و فراموش کردن آرمان‌ها، این درد اساسی و بزرگ ماست، ما هم ممکن است به این درد دچار شویم. اگر در جامعه‌ی اسلامی، آن حالت آرمان‌خواهی از بین برود یا ضعیف شود؛ هر کس به فکر این باشد که کلاهش را از معرکه در ببرد و از دیگران در دنیا عقب نیفتد، این که «دیگری جمع کرده است، ما هم برویم جمع کنیم و خلاصه خود و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح دهیم»، معلوم است که به این درد دچار خواهیم شد.» (مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۱، ص ۱۷۴).

۲.۳. انحراف در مبانی فکری

یکی از بزرگترین آفات و خطرات برای هر انقلاب، نهضت و مکتب دینی انحراف مردم پس از هدایت است. پیروزی صالحین و نابودی ستمگران و طاغوت به معنای محو همیشگی فساد و شرک از صفحه‌ی زمین و تاریخ نیست، بلکه بعد از چندی بار دیگر تحت تأثیر دو عامل یا دو نیروی محرک؛ تمایلات ضد اجتماعی در درون افراد و شرایط مناسب اجتماعی - اقتصادی بار دیگر فساد و تباهی و استثمار بصورت تازه‌ای که با شرایط تاریخی و اجتماعی و اقتصادی جدید تناسب دارد بروز می‌کند. (نک: قرآن کریم می‌فرماید: (وَ جَاوِزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ) (اعراف/۱۳۸)؛ «و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بت‌هایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: «تو هم برای ما معبودی قرار

ده، همان‌گونه که آن‌ها معبودان (و خدایانی) دارند!» گفت: «شما جمعیتی جاهل و نادان هستید.»

«عکوف» بمعنی التزام بر چیزی در گذر زمان است. (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۹۹) رسوبات فرهنگ شرک و بت پرستی در ذهن و دل بنی‌اسرائیل از یک سو و خوی مادی و حس‌گرایی قوم موسی از جهت دیگر باعث شد تا با قرار گرفتن در چنین موقعیتی از رهبر انقلاب خویش چنین تقاضایی کنند. موسی علیه‌السلام که زمینه انحراف را در قوم خود می‌دید احساس خطر کرد و به آنان هشدار داده و از این عقیده نادرست برحذر داشت. و بار دیگر آنان را به پرستش خداوند یکتا فرا خواند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۰۱). بنابراین مردم باید حافظ آرمان‌های انقلاب اسلامی این موهبت الهی باشند و بدور از ظاهرگرایی و سطحی‌نگری بن‌مایه‌های دینی خویش را تقویت نمایند تا در طوفان شبهات گرفتار نشوند.

۳.۳. تعبیر وارونه معارف و منکرات

امر به نیکی‌ها و نهی از زشتی‌ها و پلیدی‌ها یک اصل عبادی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی است که مربوط به زمان یا مکان و نژاد و منطقه و محیط خاصی نیست. فراگیر بودن این مسئله، بیانگر فطری بودن آن است. جایگاه ممتاز و برتر این فریضه و نقش کلیدی آن نسبت به سایر فرایض، در قرآن کریم این‌گونه مورد توجه قرار گرفته است (وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (توبه/۷۱)؛ «مردان و زنان با ایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند. بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد، خداوند توانا و حکیم است.» لازمه ایمان حقیقی، رابطه و علاقه به سرنوشت یکدیگر است و لازمه این محبت و علاقه، امر به معروف و نهی از منکر است. لازمه‌ی امر به معروف و نهی از منکر نیز اطاعت از خداوند و زنده شدن همه‌ی دستورهای الهی است. (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۷۶) حال اگر این فریضه واجب

مورد غفلت قرار گیرد و یا دچار تعبیر وارونه گردد، یعنی معروف، منکر دیده شود و در مقابل منکر، معروف پنداشته شود. در آن صورت طبق فرهنگ قرآن باورمندان به چنین دیدگاهی منافقند، کسانی که به مکتب ایمان نیاورده‌اند و تنها شعار آن را سر می‌دهند در واقع آنان سمبل عالی بی تفاوتی در برابر دین‌اند: (نک: خاتمی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶) (الْمُنَافِقُونَ وَ الْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ...) (توبه/۶۷)؛ «مردان منافق و زنان منافق، همه از يك گروهند! آن‌ها امر به منکر، و نهی از معروف می‌کنند.»

امام خمینی (قدس سره) در تبیین نهضت اسلامی مردم ایران فرموده‌اند: «ما برای آن نهضت کردیم که اسلام و قوانین اسلام، قرآن و قوانین قرآن در کشور ما حکومت کند.» (صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۷۱) بدین ترتیب جامعه انقلابی تا زمانی که در مسیر تحقق اصل امر به معروف و نهی از منکر باشد، چون آب روانی است که طراوت و شفافیت خود را حفظ کرده و در برخورد با موانع هر چند عظیم، به مسیر خود ادامه می‌دهد، ولی اگر این وظیفه الهی ترک گردد و حالت جمود و سکون به خود گیرد، مانند آب ساکن به زوال و فساد دچار خواهد شد و آفاتی از قبیل ترک ارزش‌های اسلامی و بازگشتن به ارزش‌های طاغوتی و وارداتی، نفوذ فرصت‌طلبان بی صلاحیت، خستگی و بی تفاوتی انقلابیون و ناتمام ماندن انقلاب اسلامی را در پی خواهد داشت. (بهرامی، ۱۳۹۴، ۹۷-۱۰۹). رهبر فرزانه انقلاب نیز با عنایت به این مطلب فرموده‌اند: «جامعه اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر است. بقای حاکمیت اختیار به این است که در جامعه، امر به معروف و نهی از منکر زنده بماند.» (همان، ص ۱۱۶).

۴.۳. انحراف نخبگان

یکی از بسترهای مناسب برای رشد و تعالی اندیشه‌های انقلابی سلامت فکری و همه جانبه نخبگان جامعه است. نخبگان یا خواص به گروه زبده و شاخص اجتماع می‌گویند که دارای قدرت تجزیه و تحلیل‌اند، این گروه در انتخاب راه و روش خود استقلال

دارند، و از جهت وجه اجتماعی در چشم عموم مردم دارای حشمت و جلال اند به گونه‌ای که عمل، رفتار و گفتار آنان در افراد تأثیر چشمگیری می‌گذارد و بسیاری از مردم را همراه خود می‌سازد. در مقابل این گروه کم‌شمار، عموم مردم جای دارند. (حیدری، ۱۳۸۴، ص ۱۸) انحراف، کجروی و کژاندیشی این گروه اندک، اما تأثیرگذار گاه لطمات جبران ناپذیری بر جای می‌گذارد. مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) با بررسی انحراف سابقه داران و پرچمداران دین اسلام در زمینه بهره‌مندی از مزایای اجتماعی بیان فرموده‌اند: وابستگی انسان به بهرمندی از قدرت و ثروت، امری انکار ناپذیر است اما مطلق کردن و چشم بسته به دنبال این نیازها حرکت کردن و هدف‌ها را به فراموشی سپردن، بسیار خطرناک است. رشد طبقه اشرافی (عصر شیخین بخصوص دوره عثمان بن عفان) محصول چنین اندیشه‌ای است. زمانی که برجستگان صحابه‌ی پیغمبر، جزء بزرگترین سرمایه داران زمان خود محسوب می‌شدند. یعنی صحابه عالی مقامی که نامشان به واسطه سابقه‌ی افتخارات درخشانشان در نبرد با دشمن تعظیم و تکریم می‌شدند، در ردیف اولین سرمایه داران اسلام قرار گرفت. (انسان ۲۵۰ ساله، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸ - ۱۶۹) پس سابقه ایمانی زمانی ارزشمند است که همراه با آینده درخشان نیز باشد. «لاحقه تاریک انسان سابقه درخشانش را تباه می‌سازد. بی‌شک آنانی که در دوره غربت و محنت به صف مجاهدان پیوستند و تا پایان عمر در این مسیر قدم زدند، از ارج و قرب والاتری برخوردارند. (حدید/۱۰) (خاتمی، ۱۳۹۱، ص ۷۵).

قرآن کریم با اشاره به نقش خواص جبهه‌ی حق که عملکرد بدی داشتند می‌فرماید: (أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلِئِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَّهُمْ ائْبَعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... * وَ قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَتَى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتْ سَعَةً مِنَ الْمَالِ...) (بقره/ ۲۴۶ - ۲۵۱)؛ «آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: «زمامدار (و فرماندهی) برای ما انتخاب کن! تا (زیر فرمان او) در راه خدا پیکار کنیم... و پیامبرشان به

آن‌ها گفت: «خداوند (طالوت) را برای زمامداری شما مبعوث (و انتخاب) کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با این‌که ما از او شایسته‌تریم، و او ثروت زیادی ندارد؟...»

«الْمَلَأَ» به بزرگان و اشرافی گفته می‌شود که هیبت آن‌ها چشم و سینه‌ها را پر می‌کند. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۸۹) بزرگان و افراد صاحب نفوذ بنی اسرائیل با وجود درخواست از پیامبرشان مبنی بر داشتن فرماندهی برای مقابله با جالوتیان، زمانی که با نصب فرماندهی طالوت از سوی حق تعالی روبه رو شدند از فرمان حضرت اشموئیل عَلَيْهِ السَّلَام سرباز زدند، بهانه‌ها گرفتند تا جایی که بیشتر آنان از همراهی و هم‌رکابی طالوت خودداری ورزیدند.

قرآن حکیم در موضعی دیگر با بیان سیر نزولی انقلابیون زمان موسی بن عمران عَلَيْهِ السَّلَام و نقش خواص و صاحبان اندیشه می‌فرماید: موسی پس از بازگشت از میقات و دریافت الواح تورات (اعراف/۱۴۲) با انحراف آشکارتر و مخرب‌تری روبه رو گشت. سامری از نخبگان و نزدیکان به کادر مدیریت نهضت عامل این انحراف بود. (... وَأَصْلَهُمُ السَّامِرِيُّ) (طه/۸۵) سامری با حيله و نیرنگ گوساله‌ای ساخت که صدایی از آن خارج می‌شد، پس از عزیمت موسی به طور یکدفعه آن را به مردم نشان داد و گفت: این خدای شما و موسی عَلَيْهِ السَّلَام است. (طه/۸۸) وی باعث شد تا شرک در بدترین صورتش دامان بنی اسرائیل را بگیرد. تا جایی که تاوان آن جز با قتل بدعت‌گذاران و گمراهان به دست یکدیگر راهی نداشت. (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۶۸). بنابراین برای برطرف کردن انحراف، ابتدا باید ریشه‌ی انحراف را بررسی کرد. (فَمَا حَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ) سپس با منحرفان و مفسدان فرهنگی بایستی برخورد نمود. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۶۹) زیرا انحراف نخبگان موجب بی‌اعتمادی مردم به یکدیگر و به نظام حاکم می‌شود. اعتماد مهمترین سرمایه هر جامعه است که با فرو ریختن آن بازار دروغ، خیانت و بی‌وفایی هموار شده و زمینه بحران‌های اساسی در جامعه ایجاد می‌شود. امروزه رسانه‌های زنجیری و ابزارها و فن‌آوری‌های نوین

ماهواره و غول‌های رسانه‌ای بر آن است تا در جامعه با شایعه پراکنی و رفتارهای طاغوتی و استکباری در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی ریشه‌ی اعتماد را بین مردم انقلابی و خواص و مهره‌های انقلابی را از بین برده و آنان را در دام نقشه‌های پلید خویش گرفتار نمایند.

۵.۳. خودباختگی

اصل خودباختگی يك تعبیر قرآنی و معادل با خسران نفس است. خودباختگی حالتی است که در روح انسان به وجود می‌آید. در این حالت انسان خودش، خودش را می‌بازد؛ یعنی تمام قوا و نیروها و استعدادهایی که دارد وضعی پیدا می‌کند که گویی چیزی ندارد. اگر يك بیمار در بیماری خود، خودش را ببازد، و باور داشته باشد که درد و ناراحتی‌اش خیلی خطرناک است دیگر معالجات برای او سودی ندارد، و به طور قطع خیلی زود از پا در می‌آید. در رابطه دو ملت، قوم و... نیز چنین است. دوستی و روابط باید دو جانبه باشد و گر نه مایه‌ی ذلت و خودباختگی و احساس حقارت است. قرآن کریم می‌فرماید: (ها أَنْتُمْ أَوْلَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَ لَا يُحِبُّونَكُمْ وَ تُوْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كَلِّهِ وَ إِذَا لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَ إِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْنَكُمُ الْأُنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بَعْضِكُمْ إِنَّا اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ) (آل عمران/۱۱۹)؛ «شما کسانی هستید که آن‌ها را دوست می‌دارید؛ اما آن‌ها شما را دوست ندارند! در حالی که شما به همه کتاب‌های آسمانی ایمان دارید (و آن‌ها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، (به دروغ) می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم!» اما هنگامی که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می‌گزند! بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است.»

«خداوند در این آیه به مؤمنان هشدار داده است، تا دشمنان خود را جزء خاصان خویش قرار ندهند و رازهای مسلمانان را در برابر این گروه آشکار نسازند، این اعلام خطر به

صورت کلی و عمومی است و باید در هر زمان و در هر حال مسلمانان به این هشدار توجه کنند. ولی متأسفانه بسیاری از پیروان قرآن از این هشدار غفلت ورزیده‌اند، و در نتیجه گرفتار نابسامانی‌های فراوان شده‌اند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۶) به هر حال بایستی به هر اظهار ایمانی از طرف غیر مسلمانان اطمینان نکرد. (قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا) زیرا در اثر محو شدن به مظاهر بیگانه و احساس ناتوانی راه پیشرفت مادی و معنوی بر مردم دشوار خواهد شد.

۴. راه‌کارهای توسعه و ترویج فرهنگ انقلابی

همان‌طور که پیشتر ذکر شد، استقلال فرهنگی زیربنای تحول و پویایی در سایر بخش‌های یک جامعه است. بنابراین برای جلوگیری از تهاجم فرهنگی و سلطه‌ی دشمن، بایستی در حفظ و گسترش فرهنگ ناب انقلاب اسلامی در جامعه تلاش کرد. البته این کار بستگی زیادی به توجه و عملکرد مسئولان و عموم ملت دارد که با همدلی خود در اجرای این امر مهم، خود را مسئول و سهیم بدانند. در این بخش به برخی از راه‌کارها جهت توسعه و ترویج فرهنگ اسلامی اشاره شده است:

۱.۴. سازمان‌ها و نظام‌های تربیتی

در عصر ما تحولات عمیقی در کلیه‌ی بخش‌های فرهنگی شامل وضع تربیتی، ایده‌آل‌های اجتماعی، میزان‌ها و استانداردهای اخلاقی، آداب دینی و وضع طبقاتی حاصل شده است. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم این تمدن جدید در زندگی ما نفوذ خواهد کرد، لذا بعد از نظام تربیتی خانواده، سازمان‌ها و مراکز آموزشی وظیفه دارند که افراد را در برخورد درست با این تحولات آماده سازند و فرهنگ صحیح را به آن‌ها بشناسانند. این نظام‌ها مجموعه‌ای از سازمان‌های رسمی تأسیس شده‌اند؛ تا مهارت‌های ضروری را در جامعه ممکن سازند و افراد را در رشد و تعالی موقعیت‌های اجتماعی و علمی قرار داده و از فرهنگ

محافظت کنند. و نیازهای لازم فرهنگی را تأمین و نوآوری پدید آورند. اصل این نهادها در واقع همان نهاد آموزش و پرورش به معنای جامع کلمه است. که از یک سو از آموزش ابتدایی تا سطح عالی دانشگاه و از سوی دیگر مؤسسه‌های تحقیقی و پژوهشی و فن‌آوری را در بر می‌گیرد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۵۱). بخشی از راهکارهایی که این نظام‌ها می‌توانند در صورت توجه به آن‌ها، باعث توسعه و ترویج فرهنگ اسلامی در جامعه باشند، عبارت است از:

۱.۴-۱. خانه و خانواده

خانواده اساسی‌ترین رکن شکل دهنده شخصیت انسان در نظام تربیتی است. الگوی رفتاری هر شخص ابتدا از درون خانه ایجاد و سپس وارد جامعه می‌شود. گفتنی است که خانواده جامعه‌ای کوچک به شمار می‌آید. قرآن کریم برای سالم سازی جوامع انسانی به این هسته‌ی اجتماعی، رویکردی خاص دارد. خداوند برای نجات و رهایی از گمراهی و توجه به تعلیم و تربیت به سرپرست خانواده چنین خطاب می‌فرماید: (.. قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ...) (تحریم/۶)؛ «... خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌ها است حفظ کنید...»، و نیز: (.. وَ أَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطِرَّ عَلَيْهَا...) (طه/۱۳۲)؛ «... و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش...» و به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چنین خطاب می‌فرماید: (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (شعرا/۲۱۴)؛ «و خویشانِ نزدیکت را هشدار ده». لقمان حکیم عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرزندش را با گفتاری نرم و همراه با مهربانی و با استدلال موعظه می‌کند و می‌فرماید: (وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ) (لقمان/۱۳)؛ «و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش - در حالی که وی او را اندرز می‌داد - گفت: «ای پسرک من، به خدا شرک می‌اور که به راستی شرک ستمی بزرگ است». این آیات نشان از اهمیت موضوع دارد و بیان می‌کند آموزش معارف اسلامی به عهده‌ی خانواده است. همه‌ی این احکام و

دستورهای مؤکد در قرآن کریم، برای آن است که خوبی‌ها و بدی‌های جامعه از خانواده بر می‌خیزد. و نقش آن تنها در فراهم ساختن نیازهای اقتصادی خلاصه نمی‌شود، بلکه وظیفه‌ی اساسی آن، مراقبت از فرزندان، نظام بخشی به رفتار غریزی نوجوانان و جوانان، تأمین نیازهای فرهنگی و اجتماعی آنان است.

۱.۴-۲. آموزش و پرورش

از بین نهادهای تربیتی آموزش و پرورش نقش بسیار مهمی در زمینه‌ی توسعه‌ی فرهنگ در میان کودکان، نوجوانان و جوانان بر عهده دارد. و از آن جایی که این نهاد مهم، تربیت و آموزش نسل آینده را بر عهده دارد باید به طور خاص مورد توجه قرار گیرد. برای نهادینه کردن فرهنگ در وهله‌ی اول باید به آموزش مدیران و معلمان پرداخت، چراکه به فرموده‌ی مقام معظم رهبری (مدظله): «نقش معلم و مربی در جامعه‌ی ما نقش اول است. در حقیقت سنگر مبارزه با کفر و ظلم و استکبار جهانی و فزون خواهی شیاطین سیاسی عالم، همین سنگر مدرسه و تعلیم و تربیت و فرهنگ است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در مراسم بیعت معلمان و دانش آموزان ۱۳۸۸/۳/۲۶ - <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7181> در یک ارتباط متقابل، اگر معلم، فرهنگ حقیقی را پذیرفته و بر اساس آن عمل کند و بتواند آن را به نحو احسن، به دانش آموزان انتقال نماید؛ دانش آموز هم، آن را پذیرفته و در خود ایجاد می‌کند. این یعنی این‌که فرهنگ توسعه یافته و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. به علاوه با غنی سازی مطالب کتب درسی و نظارت هوشمندانه و تهیه و تدوین آن‌ها بر اساس مبانی اسلامی و انجام فعالیت‌های جذاب فرهنگی که در میان دانش آموزان شور و هیجان فرهنگی ایجاد کند، می‌توان سهم عظیمی در توسعه و ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی داشت. به هر حال باید گفت در عرصه‌ی تهاجم فرهنگی همواره باید سنگر مدرسه و آموزش و پرورش پربار و سرشار از تعالیم الهی و مسئله‌ی اصلی آن؛ تربیت انسان و تربیت نیروهای انقلاب باشد.

۱.۴-۳. دانشگاه‌ها و مراکز عالی

یکی دیگر از نظام‌های مهم تربیتی که نه تنها، دانشجو در آن آموزش می‌بیند بلکه مهارت لازم برای آموزش دادن را نیز کسب می‌کند دانشگاه است؛ از این رو دانشگاه، یک موتور مولد است و هر دانشجو یک نظام آموزشی نهفته در آن، اگر سنگ بنای آموزش در آن، براساس فرهنگ و تعالیم اسلامی باشد، موجب توسعه و ترویج فرهنگ اسلامی خواهد شد. چرا که دانشجو در حین و بعد از تحصیل در ارتباط و تعامل با افراد مختلف قرار دارد، بنابراین پلی برای انتقال، توسعه و ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی خواهد بود. به دلیل آگاهی از اهمیت همین موضوع و نقش اساسی دانشگاه، بیشترین هجمه‌ی تهاجم فرهنگی متوجه دانشگاه و دانشگاهیان است. بر همین اساس باید روح تعالیم اسلامی بر این فضا حاکم و برقرار باشد. علامه طباطبایی در پاسخ به شاگردشان جهت تشکیل جلسه‌ی تفسیر قرآن در تهران فرمودند: «حتماً این کار را انجام دهید. چون آینده‌ی کشور اسلامی در اختیار دانشگاهیان می‌باشد اگر این قشر با اسلام و معارف تشیع آشنا نشوند، در آینده برای اسلامی شدن کشورمان امیدی نخواهیم داشت.» (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۴). در یک جمله دانشگاه‌ها باید به معنای واقعی به اسلام عمل کنند یعنی این‌که؛ «در محیط‌های علمی، فلسفه‌ی فکری اسلام سایه افکند. علوم اسلامی بر مبنای اسلام سامان یابند و نتیجه‌ی تحصیل در دانشگاه نزدیکی به خدا و آراستگی به معنویت باشد.» (نوروزی، ۱۳۸۴، ص ۳۵).

۱.۴-۴. حوزه‌های علمیه

مراکز تربیت دینی و بخصوص حوزه‌های علمیه منبع عظیمی از اطلاعات و آگاهی‌های اسلامی است که اگر این تعالیم همچون آب زلال و گوارایی به جامعه عرضه شوند، بدون شک جامعه‌ی ملی و جهانی آن‌را پذیرا و به سراغ آب‌های آلوده‌ی به ظاهر زیبا

نخواهند رفت. در نظام اسلامی روحانیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در واقع یکی از عناصر اصلی مولد فرهنگ دینی به شمار می‌آیند. قرآن کریم با اشاره به رسالت خطیر حوزه‌های علمیه می‌فرماید: (... فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ...) (توبه/۱۲۲)؛ «... پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را - وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند...». آیه فوق دلیل روشنی است بر این که همواره گروهی از مسلمانان به عنوان انجام یک واجب کفایی باید به تحصیل علم و دانش در زمینه تمام مسائل اسلامی بپردازند، و پس از فراغت از تحصیل برای تبلیغ احکام اسلامی به نقاط مختلف و مخصوصاً قوم و جمعیت خود بازگردند و آن‌ها را با مسائل اسلامی آشنا سازند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۹۲).

عالمان دینی یکی از ارکان چهارگانه‌ای هستند که قوام دنیای تمدن انسانی و اسلامی به آن‌هاست. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «قوامُ الدینِ والدُّنیا بأربعه: عَالِمٌ مُسْتَعْمِلٌ عِلْمِهِ...» (موسوی، ۱۴۱۴ق، ح ۳۷۲)، «استواری دین به چهار چیز است: عالمی که علم خویش را به کار گیرد...». یکی از بارزترین مصادیق استعمال علم، حضور در صحنه گسترش تعالیم اسلامی و بنا نهادن فرهنگ آن، در میان مردم است. بنابراین با عرضه داشتن صحیح مکتب اسلام در همه‌ی زمینه‌ها به زبان روز و همگام با تحولات و تجهیز به فناوری اطلاعات و نیز وارد کردن علمای دینی در عرصه‌ی فرهنگی و علمی دانشگاهی می‌توان زمینه‌ی توسعه و ترویج این امر مهم را در جوامع ایجاد کرد.

۲.۴. وسایل ارتباط جمعی

هر ابزار و وسیله‌ای از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله، فیلم و... که به گونه‌ای مستقیم و غیر مستقیم با مخاطبان ارتباط برقرار می‌کنند بخشی از وسایل ارتباط جمعی را تشکیل می‌دهند. رسانه‌های جمعی به عنوان نیروهای اثر گذار در فرایند آموزشی می‌توانند

سبب تثبیت افکار، اعتقادات، اصول، معانی، ارزش‌ها، هنجارها و اخلاقیات باشند و زمینه‌های اصلاح در نگرش‌های عمومی، نسبت به؛ سنت‌ها، آداب و رسوم اجتماعی، دانش‌ها، سبک زندگی، قوانین و نهادهای اجتماعی را فراهم آورند. همچنین ضمن ایفای نقش خود به عنوان میراث‌داران و نگهبانان فرهنگ و اهتمام به ترویج فرهنگ اسلامی در جامعه، از طریق تبلیغ و معرفی محصولات فرهنگی، آموزه‌های اسلامی و... توانایی خود را در اصلاح ذهنیت جامعه و شکل دهی به افکار و عادات عمومی و انشاء قوانین، آداب و رسوم اجتماعی نشان دهد. (دهشیری، ۱۳۸۸، ص ۲۰۰). امام خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌فرماید: «امروز رسانه‌ها در دنیا فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت هویت فرهنگی انسان‌ها را القاء می‌کنند و تعیین کننده امور مختلفند. رسانه‌ها می‌توانند به صورت اخلاقی و استدلالی، مفاهیم ملت‌ها را میان یکدیگر تبادل کنند و داد و ستد معنوی و اخلاقی و فرهنگی کنند؛ این مسئله بسیار با ارزش است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مدیران و برنامه سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف ۱۳۸۵/۲/۲۶. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3340>)

امام خمینی رحمته‌الله علیه به عنوان معمار نظام جمهوری اسلامی بر نقش آموزشی رسانه و رسالت آن تأکید کرده و می‌فرماید: «رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیما، این مراکز آموزش و پرورش عمومی می‌توانند خدمت‌های گران مایه‌ای را به فرهنگ اسلام و ایران نمایند.» (پیام به مناسبت ۲۲ بهمن و سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی درباره جنگ و دانشگاه‌ها، وظایف قوای سه گانه، رسانه‌های گروهی و تشکر از امت ۱۳۶۳/۱۱/۲۲). بنابراین مسئولان و مدیران وسایل ارتباط جمعی و فرهنگی به قابلیت رسانه، که همانند شمشیر دو سوئه؛ هم توانایی تزریق فرهنگ مصرفی غربی و هم انتقال فرهنگ انقلاب اسلامی را دارد، توجه داشته و بایستی از آن در جهت گسترش و توسعه‌ی فرهنگ اسلامی بهره جویند.

۳.۴. ارائه‌ی الگوی عملی

یکی از راهکاری مهم و پایه‌ای برای توسعه و ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه ارائه نمونه‌های عینی و عملی فرهیختگان و اندیشه‌وران پاک طینت و متخصص در بخش‌های گوناگون جامعه است. زیرا انسان در مسیر زندگی خویش از کودکی تا بزرگسالی همواره در پی نمونه‌ای است که برایش معیار و الگو قرار گیرد. جهان خواران و مخالفین اسلام با آگاهی از همین نقش بسیار مهم الگوها در روحیه و افکار جوانان، هر روز با الگوسازی در نوع پوشش و آرایش و گفتار و رفتار، و عرضه‌ی رسوم و آیین‌هایی که با آداب و سنن مذهبی و ملی ما به هیچ وجه سازگار نیست، آنان را از فرهنگ غنی اسلام دور ساخته و در واقع از خود بیگانه می‌سازند، تا بدین وسیله به اهداف شوم خود نایل گردند. آری بخش عظیمی از راهکارهای تهاجمان فرهنگی بیگانگان را همین الگوسازی در زمینه‌های مختلف زندگی و حیات اجتماعی جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهد. (اسماعیلی یزدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱). بنابراین امت اسلامی باید برای جلوگیری از این تهاجم‌ها و برقراری و توسعه‌ی فرهنگ انقلاب اسلامی در سطح جامعه به ارائه‌ی الگوی تربیتی و اسلامی بپردازد. قرآن کریم می‌فرماید: (قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...) (ممتحنه/۴)، «قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست». و نیز (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...) (احزاب/ ۲۰)، «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست...». الگویی بسیار والا همچون پیامبر اکرم ﷺ و نیز اهل بیت علیهم السلام در ایجاد یک تمدن و فرهنگ بزرگ نقشی ارزنده دارند. اعتقاد و باور عمیق و معرفت به ایشان و تلاش برای مشهود کردن این الگوها به عنوان نمونه‌های عملی در سطح جهان به توسعه‌ی فرهنگ اسلامی کمک شایانی می‌کند. به علاوه تاریخ اسلام سرشار از چهره‌هایی است که هر کدام دنیایی از عظمت و پاکی و قهرمانی را در خود دارند. اصحاب با ایمان و فداکار رسول خدا ﷺ و یاران با اخلاص امیرالمومنین علیؑ شهدای کربلا و شاگردان و اصحاب خودساخته‌ی امامان دیگر علیهم السلام، شهدای هشت سال دفاع مقدس و شخصیت

های علمی - اخلاقی - فرهنگی که هر یک از آنها به عنوان یک الگوی عملی می‌توانند ارزش‌ها را به جامعه تزریق کنند.

۴.۴. توجه به مساجد

مساجد یکی از مقدس‌ترین مکان‌هایی است که اگر مورد توجه قرار گیرند تأثیر به‌سزایی در توسعه و ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی می‌توانند داشته باشد. بدین سبب کارکردهای مسجد را به گونه‌های مختلف عبادی، آموزشی، ارتباطی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، معماری، هنری و مانند آن تقسیم کرده‌اند. کارکردهای ارتباطی و فرهنگی مسجد هم به استناد متون دینی و هم به واسطه تجربه‌ی تاریخی مسلمانان، در قالب فرهنگ سازی و انتقال اطلاعات تجلی یافته است و در خدمت یک هدف والای دینی، یعنی تعالی فردی و اجتماعی می‌باشد. با توجه به این دایره وسیع تأثیرگذاری نباید از دسیسه و نیرنگ دشمن از طریق این جایگاه مقدس هم غافل شد. بدین سبب در قرآن کریم به مسلمین درباره نفوذ فرهنگ معاندین از طریق این مکان مقدس هشدار داده شده است. (لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ...) (توبه/ ۱۰۸ - ۱۰۹) هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند؛ و خداوند پاکیزگان را دوست دارد!». آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرومی‌ریزد؟ بنابراین با توجه به کارکردهای متعدد مسجد می‌توان این مکان را محیطی مناسب برای بستر سازی و آموزش فرهنگ معرفی نمود. (افتخاری، ۱۳۸۹، ص ۷۱۹).

۵.۴. دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی پل ارتباط بین یک فرهنگ با فرهنگ‌های دیگر است، که در کشورهای اسلامی می‌توان از آن در جهت توسعه‌ی فرهنگ اسلامی بهره برد. ملل اسلامی در مرحله نخست باید به داشته‌های خود اهمیت داده، و پس از آن به ترویج فرهنگ اصیل اسلامی در خارج از مرزها بپردازند. امام خامنه‌ای (مدظله) در این مورد می‌فرماید: تبادل فرهنگی لازم است. هیچ ملتی بی‌نیاز از ارتباط نیست. به واسطه ارتباط فرهنگی - آن مجموعه مسائلی که نام فرهنگ به آن داده شده - با فرهنگ دیگری آشنا و بدین طریق ملت‌ها در رفت و آمدهایشان، آداب زندگی، خلیقیات، علم، لباس پوشیدن، آداب معاشرت، زبان، معارف و دین را از یکدیگر فرا گرفته‌اند. این، مهم‌ترین تبادل‌های ملت‌ها با هم بوده است... خود ملت ما هم، در طول زمان بسیاری از مطالب را از ملت‌های دیگر آموخته است و این یک روند ضروری برای تر و تازه ماندن معارف و حیات فرهنگی در سرتاسر عالم است. این تبادل فرهنگی مطلوب و شایسته است.» (امام خامنه‌ای، بیانات در جمعی از کارگزاران فرهنگی ۱۳۷۱/۵/۲۱ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2630>. همواره باید، در جریان دیپلماسی فرهنگی اقتدار و تدبیر حاکمیت در مورد مرزهای فرهنگی خود، حفظ شود بر این اساس این امکان وجود دارد که جریان واردات فرهنگی و ارتباطی به نحو‌گزینشی و با رویکرد به‌گزینی، مدیریت شود و از انبوه پیام‌های فرهنگی مناسب‌ترین‌ها با جامعه را گزینش کرد. (افتخاری، ۱۳۸۹، ص ۲۱).

امام خمینی رحمته‌الله علیه برای ترویج حقایق اسلام و تبیین فرهنگ ایران اسلامی نقش قابل توجهی را برای سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی قائل بودند: «صدور اسلام به این است که اخلاق اسلامی، اعمال اسلامی، آن‌جا طوری باشد که مردم توجه کنند و از امور مهمه، داشتن یک نشریه در هر سفارتخانه هست... مخارج را صرف تبلیغات بکنید... صدور با سر نیزه صدور نیست. صدور با زور، صدور نیست. صدور آن وقتی است که اسلام، حقایق اسلامی، اخلاق انسانی در این جاها رشد پیدا کند و شما موظف به این معنا هستید.»

(بیانات در حضور سفیران و کارداران جمهوری اسلامی ایران و جمعی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور. صحیفه نور، ج ۱۳). مقام معظم رهبری در نامه ای به جوانان غربی به معنای واقعی آن‌ها را به اسلام و تمدن نوین اسلامی فرا خواندند: «من از شما جوانان می‌خواهم که بر مبنای یک شناخت درست و با ژرف بینی و استفاده از تجربه‌های ناگوار، بنیان‌های یک تعامل صحیح و شرافتمندانه را با جهان اسلام پی‌ریزی کنید. در این صورت، در آینده‌ای نه چندان دور خواهید دید بنایی که بر چنین شالوده‌ای استوار کرده‌اید، سایه‌ی اطمینان و اعتماد را بر سر معمارانش می‌گستراند، گرمای امنیت و آرامش را به آنان هدیه می‌دهد، و فروغ امید به آینده‌ای روشن را بر صفحه‌ی گیتی می‌تاباند.» (نامه رهبری معظم انقلاب (مد ظله) به عموم جوانان کشورهای غربی در تاریخ ۱۳۹۴/۹/۸).

نتیجه

فرهنگ از اساسی‌ترین اموری است که به جامعه هویت می‌بخشد. رفتار فرهنگی در هر جامعه مبتنی بر باورها و تفکرات حاکم بر آن است. بدون شک ماندگاری و تعمیق یک تفکر سالم و تحول‌زا، معلول تبیین صحیح تفکر، ترویج و تبلیغ همه جانبه و عمل به آن تفکر است که به عمق بخشی و گسترش آن تفکر منجر می‌شود و بدین ترتیب چنین فرهنگی از آسیب‌های احتمالی محفوظ می‌ماند. بنابراین برای تعمیق و ترویج فرهنگ انقلاب اسلامی، ایجاد حساسیت دو جانبه ضروری می‌باشد؛ از یک طرف حساس بودن به فرهنگ اسلامی که به مثابه‌ی روح جامعه تلقی می‌گردد بایستی مورد احترام قرار گیرد و از دیگر سو از آن جایی که روح جامعه نیز همواره در معرض هجوم بی‌امان فرهنگ معاند قرار دارد، باید در تمامی حرکات از حریم اصول انسانی خارج نشود. از این‌رو مجهز شدن به شاخصه‌های انقلابی مانند: خدا محوری، ولایت پذیری، آرمان خواهی، بصیرت افزایی، عدالت و ظلم ستیزی و از همه مهم‌تر انتظار و منتظر پروری ضروری است.

برای ماندگاری در صف انقلابیون توجه به آسیب‌های مخربی چون رنگ باختن معنویت، دنیاگرایی، انحراف در مبانی فکری، تعبیر وارونه معارف و منکرات، انحراف نخبگان و خودباختگی بسیار با اهمیت است. زیرا هر کدام از این موانع می‌تواند امت انقلابی را از مسیر اهداف انقلاب منحرف سازد. بنابراین باید مدیران و سیاستمداران فرهنگی علاوه بر توجه به عملکرد خود با بهره‌گیری از سازمان‌ها و نظام‌های تربیتی، وسایل ارتباط جمعی، ارائه‌ی الگوی عملی، توجه به مساجد و دیپلماسی فرهنگی در نظام بیداری اسلامی مسیر انقلابی بودن و ماندن افراد را هموار و زمینه را برای رسیدن به تمدن نوین و حیات طیبه اسلامی فراهم آورد.

فهرست منابع

۱. * قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۳ش: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، قم.
۲. اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۹۰)، فرهنگ تربیت، قم: دلیل ما، سوم.
۳. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹)، سیاست، دین، فرهنگ؛ مطالعه بین رشته‌ای، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، اول.
۴. آقایی، بهمن و غلامرضا علی بابایی (۱۳۶۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: ویس، دوم.
۵. بهرامی، صمد. (۱۳۹۴)، نسیم معرفت؛ امر به معروف و نهی از منکر. بی جا: معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین - مدیریت آموزش بسیج. اول.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در باره‌ی زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام؛ (انسان ۲۵۰ ساله)، (۱۳۹۰)، تهران مؤسسه ایمان جهادی، اول.
۷. پرهیزکار، غلامرضا (۱۳۸۹)، انقلاب اسلامی و رشد مهدویت در ایران، قم: انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله تعالی).
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، جامعه در قرآن، قم: اسراء، دوم.
۹. حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل البیت، اول.
۱۰. حیدری، احمد (۱۳۸۴)، نهضت انتظار ۲ سطح ۲، تهران: معاونت آموزش نیروی مقاومت بسیج، اول.
۱۱. خاتمی، احمد (۱۳۹۱)، عبرت‌های عاشورا، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم). چهاردهم.
۱۲. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸)، «رسانه و فرهنگ»، فصل نامه فرهنگی تحقیقات

فرهنگی، دوم.

۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، محقق: صفوان عدنان، داوودی، بیروت: دار القلم - الدار الشامیة. اول.

۱۴. روستایی، زینب (۱۳۹۴)، «نقش امامزادگان به عنوان طلایه داران دفاع از حریم ولایت»، از مجموعه مقالات کنگره ملی حضرت محمد هلال ابن علی ابن ابی طالب علیه السلام. تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، اول.

۱۵. شرفی، محمد رضا و محمد شریف طاهرپور (۱۳۸۷)، «نقش نهاد آموزشی در تربیت شهروند (مهندسی فرهنگی)»، ۱۵-۱۶، (فروردین و اردیبهشت).

۱۶. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی (قدس سره)، (۱۳۶۹)، تهران: سروش.

۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، به کوشش: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم.

۱۸. (۱۳۸۵)، معنویت تشیع، قم: تشیع، اول.

۱۹. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی. اول.

۲۰. عابدینی، محسن (۱۳۸۸)، عدالت خواهی و ظلم ستیزی دو ویژگی برجسته انقلاب اسلامی، kayhannews.kayhan.ir، شماره ۱۹۵۸۵.

۲۱. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. اول.

۲۲. گولد. جولیس. ویلیام ل. کولب (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، محمدجواد زاهدی مازندرانی، تهران: مازیار، اول.

۲۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت:

- دار إحياء التراث العربي، دوم.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۰)، پرسش‌ها و پاسخ‌ها: ولایت فقیه و خبرگان، قم: مؤسسه آموزشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، اول.
۲۵. (۱۳۸۶)، تماشای فرزاندگی و فروزندگی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهش امام خمینی رحمته‌الله علیه، اول.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، ده گفتار، تهران: صدرا، پنجم.
۲۷. (۱۳۷۲)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا، نهم.
۲۸. معنویت و انقلاب اسلامی (لوازم، ضرورتها، دستاوردها، عوامل سایش و افزایش) از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه ای (مدظله العالی) (۱۳۹۱). مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، تهران: قدر ولایت، اول.
۲۹. معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات نامن، دوم.
۳۰. معینی پور، مسعود. لکزایی، رضا. «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری. مطالعات انقلاب اسلامی. سال نهم. بهار ۱۳۹۱. ش ۲۸.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیرنمونه، تهران: دارالکتب اسلامی. جلد ۸. اول.
۳۲. موسوی (شریف رضی) محمد بن حسین. (۱۴۱۴). نهج البلاغه، محقق / مصحح: صبحی صالح، قم: دارالهجره. اول.
۳۳. نصری، محسن (۱۳۸۹)، ایران دیروز، امروز، فردا تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، قم: دفتر نشر معارف، سوم.
۳۴. نوروزی، محمدجواد (۱۳۸۴)، فلسفه سیاست (سلسله دروس اندیشه های بنیادین اسلامی)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، نهم.